

بررسی نظریه شورا از منظر متفکران شیعه و اهل سنت  
با تکیه بر دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رشیدرضا  
عبدالمطلب عبدالله<sup>۱</sup>، صالح حسن زاده<sup>۲</sup>، مهدی شیخ<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

چکیده:

شورا یکی از اصول پذیرفته شده در بین تمامی مذاهب اسلامی است و هر مذهبی بر اساس مبانی خود تفسیر خاصی از آن دارد. این تفاسیر متفاوت، بیان کننده میزان نقش شورا در مردم سالاری دینی است. این مقاله با استفاده از روش تطبیقی، در پی یافتن اشتراکات و تفاوت‌های موجود بین نظریه شورا از دیدگاه متفکران شیعه و اهل سنت، با تکیه بر دیدگاه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رشیدرضاست. پاسخ به این پرسش، زوایای بحث شورا در اسلام و مبانی مردم سالاری دینی را روشن تر می‌گرداند؛ چرا که هر دو متفکر طبق استنباط از کتاب و سنت و بر اساس مبانی خود بر اصل شورا تأکید دارند، و آن را بعنوان یک نظریه سیاسی در ایده خود از حکومت اسلامی لحاظ کرده‌اند اما در جزئیات آن با یکدیگر متفاوت‌اند. از دیدگاه اغلب متفکران شیعه، به ویژه امام خمینی<sup>(ره)</sup>، از آنجا که حکومت جنبه‌ای الهی دارد، شورا در مشروعیت الهی حکومت دینی نقشی ندارد و تنها در چگونگی شکل حکومت و اداره آن مؤثر است و منطبق با شرع اسلام نقشی اساسی در قانون گذاری ایفا می‌کند؛ اما از نظر اهل سنت، شورا هم در مشروعیت و شکل‌گیری حکومت نقش دارد و هم در اداره و قانون گذاری آن، زیرا حکومت از دیدگاه اغلب آنان، از جمله رشیدرضا، صرفاً پدیده‌ای اجتماعی و بر عهده مردم است.

**واژگان اصلی:** مردم سالاری دینی، شورا، حکومت اسلامی، امام خمینی<sup>(ره)</sup>، رشیدرضا.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

انسان عصر حاضر همانگونه که در عرصه‌های مختلف پیشرفتهای چشمگیری داشته است، در امر حکومت نیز دستاوردهایی دارد که مهمترین آن، مردمسالاری یا همان دموکراسی است و در آن به دنبال توسعه نقش مردم در امر حکومت‌داری است. متفکران اسلامی تلاشهای بسیاری برای کشف موضع دین اسلام در این خصوص ند. اصل شورا یکی از اصول پذیرفته شده اسلام است و در قرآن کریم بر آن تصریح شده است و سنت نبوی نیز گواهی روشن بر اجرای آن به وسیله پیامبر اسلام و یاران اوست. این اصل از جمله اصول توسعه دهنده نقش مردم در اداره جامعه یا همان مردمسالاری دینی است.

در لسان العرب آمده *شورا* و *تشاور* به معنای استخراج نظریه به واسطه رجوع بعضی به بعض دیگر آمده است و این کلمه از ماده شور گرفته شده است، که: «*شرت العسل: من عسل را از کندویش استخراج کردم*» (راغب اصفهانی، ۱۲: ۴۱۲ ق: ص ۲۷۰). در قرآن کریم نیز سخن از مشاوره آمده و می‌فرماید: «*و شاورهم فی الامر*» (آل عمران: ۱۵۹). در کاربرد اصطلاحی، با دو نوع شورا مواجهیم: اول شورایی که برای دستیابی بهتر و بیشتر به حق و واقعیت تشکیل می‌شود؛ مانند مشورت برای یافتن بهترین راه برای رشد و پیشرفت کشور و دوم مشورت به منظور رعایت حقوق افراد مورد مشاوره؛ مانند مشورت برای انتخاب حاکم یا کسانی که تحت ولایت قرار می‌گیرند (قاضوی، ۱۳۹۲: ۷۹). مشورت کردن و استفاده از نظر مشورتی دیگران، امر پسندیده‌ای است و در همه جوامع بشری پذیرفته شده است. در دین مبین اسلام هم مشورت کردن در امور فردی نه تنها امری مطلوب می‌باشد، بلکه روایات بسیاری بر آن تأکید دارند تا آن جا که مشورت کردن در امور، از صفات مؤمنین شمرده شده است.

مشورت در امور حکومتی نیز مطلوب جوامع انسانی است و حتی نظام‌های استبدادی و پادشاهی هم در امور خود کم و بیش از آن بهره می‌برده‌اند. بر این اساس بحث از شورا به عنوان نظریه‌ای سیاسی که در آن مفهوم شورا از صرف بهره مندی از نظرات دیگران فراتر رود و شامل رعایت حقوق افراد مورد مشورت هم باشد (مانند مشورت کردن با آحاد مردم در انتخاب حاکم) و در آن، فرد فرد مردم جایگاه نخست را در امور حکومتی داشته باشند، یک نظریه اسلامی و برگرفته از آیات قرآن کریم است و از ارکان اصلی مردمسالاری دینی به شمار می‌رود.

هر دو مذهب شیعه و سنی با توجه به مبانی دینی خود، مسئله حکومت‌داری و نقش شورا در آن را بررسی کرده‌اند؛ البته در این میان اهل سنت به دلیل مواجهه مستقیم با حکومت‌داری پس از رحلت رسول اکرم (ص)، زودتر به این مسئله پرداخته‌اند و به همین دلیل با توجه به این‌که بخشی از احکام اسلام ریشه در سیاست و حکومت‌داری دارد، علمای شیعه هم بی‌اعتنا به این مسئله نبوده‌اند. اما این‌که شورا به‌عنوان یک اصل دینی که دربردارنده حقوق عامه مردم و ضامن مشارکت فرد فرد آنان در امور حکومتی در قالب یک نظریه سیاسی است، مشخصاً متعلق به دوران معاصر است. در هر دو مذهب بحث از شورا به‌عنوان یک نظریه سیاسی تقریباً هم‌زمان با هم آغاز شد؛ میان شیعیان با مشروطه‌خواهی در ایران و در میان اهل سنت با زوال خلافت عثمانی. مرحوم شیخ محمدحسین نائینی از فقهای معاصر شیعه که در نهضت مشروطه نیز سهیم بودهاست، از جمله کسانی است که نظریه دولت اسلامی را با توجه خاص به نقش مردم در حکومت‌داری در کتاب «تنبیه الأمه و تنزیه المله» مطرح نمود و در دهه‌های اخیر نیز سید محمود طالقانی، سید محمدباقر صدر، شیخ محمدجواد مغنیه و شیخ محمدمه‌دی شمس‌الدین از علمای شیعه‌ای هستند که با توجه به اصل شورا و نقش مردم در حکومت، دیدگاه‌های خود را در باب حکومت دینی مطرح نموده‌اند. در میان علمای اهل سنت نیز هم‌زمان با زوال خلافت عثمانی متفکرانی که معتقد به حکومت دینی بودند و دین را پاس‌خگوی نیازهای بشری در دوران پس از رنسانس می‌دانستند، ابعاد مختلف مشارکت مردم در حکومت دینی را با استفاده از اصل شورا در نظر داشتند که در رأس آنها محمد عبود و شاگرد مهم وی رشیدرضا را می‌توان نام برد، همچنین پس از انقلاب اسلامی ایران درباره نظریه شورا و جایگاه آن در آموزه‌های دینی و چگونگی نقش آن در حکومتی دینی، مقالات متعددی نگاشته شده‌است. در دوران معاصر (دوران مشروطه‌خواهی در ایران و دوران اضمحلال خلافت عثمانی در اهل سنت) مسئله شورا در امر حکومت، تحول یافته و به نقش مردم در حکومت توجهی ویژه شده است، بهنجوی که شورا به یک نظریه سیاسی برای تأمین حقوق آحاد مردم در حکومت تبدیل شده است و اساس حکومت دینی محسوب می‌گردد. با این وصف با این پرسش مواجه می‌شویم که قائلان این نظریه بر اساس کدام مبانی دینی به این نظریه رسیده‌اند و آیا آنان این نظریه را صرفاً به سبب همراهی با موج دموکراسی‌خواهی مطرح نموده‌اند یا نه، این‌طور با مبانی شورا و دیگر مبانی مطرح در توصیه‌های حکومتی دین اسلام هماهنگ است؟ برای یافتن پاسخ این پرسشها، آنچه

در این مقاله مورد نظر است، بررسی تطبیقی جایگاه نظریه شورا از دیدگاه متفکران شیعه و اهل سنت با تکیه بر دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> به‌عنوان یکی از دانشمندان شیعه که دیدگاهشان در شکل‌گیری نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه تأثیر گذاشته و نظام جمهوری اسلامی ایران را بوجود آورده است، و دیدگاه رشیدرضا از دانشمندان اهل سنت که پیشنهاد طرح حکومت دینی با مشارکت مردم بر اساس اصل شورا بوده است و هنوز هم مورد استناد بسیاری از کسانی است که در میان اهل سنت داعیهدار برپایی حکومت اسلامی‌اند. این دو متفکر با توجه به پیش‌فرضهای متفاوت کلامی و نظریشان، همانگونه که درباره مسئله شورا با هم اشتراکات مهمی دارند، در چگونگی رابطه شورا با حکومت دینی نیز تفاوت‌هایی دارند و به همین دلیل پیامدهای اجتماعی این دو دیدگاه نیز با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند و بررسی شورا با رویکرد این مقاله ضمن کمک به روشنتر شدن زوایای اصل شورا به‌عنوان نظریه‌های سیاسی در تحکیم مردمسالاری دینی در کنار دیگر آثار منتشرشده، می‌تواند با نگاهی تطبیقی و با بیان تفاوتها و شباهت‌های دو دیدگاه، عمق استحکام اصل شورا را در این دو مذهب نشان دهد و کارکرد این اصل دینی در امر حکومتداری را آشکارتر نماید.

این موضوع، با این رویکرد و مقایسه بین دو دیدگاه، تا کنون مورد پژوهش مستقلی قرار نگرفته و پژوهشی بدون پیشینه در این خصوص می‌باشد. برای تبیین این مسئله بر اساس روش مقایسه‌ای ابتدا نظریه شورا از دیدگاه شیعه و اهل سنت بررسی می‌شود و در پایان به تطبیق نظریه این دو متفکر درباره شورا می‌پردازیم.

#### ۱- نظریه شورا از منظر شیعه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup>

در متون دینی شیعه اعم از قرآن و سنت به مفهوم شورا بسیار تأکید شده است، اما این مفهوم در متون کلامی و فقهی شیعه به صورت نظریه مدونی مطرح نشده و تنها در دوران متأخر است که از آن به‌صورت یک اصل سیاسی - اجتماعی و در قالب یک نظریه سیاسی سخن به میان آمده‌است. اندیشمندان شیعه در قرون گذشته شورا را تنها در قالب مباحث کلامی و در مقام نفی خلافت به شیوه شورایی بررسی کرده‌اند و هیچ‌گاه از جنبه اثباتی به آن اشاره‌ای نشده‌اند، اما در نظریه‌های جدید، مشارکت مردم در امور عمومی با تمسک به اصل شورا توجیه می‌شود و به شورا به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه‌های سیاسی توجه شده‌است

(فیرحی، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۹).

## ۱-۲ دلایل اصل شورا در شیعه

برای اثبات نقش مهم شورا در حکومت اسلامی به آیاتی از قرآن و روایاتی از امامان معصوم<sup>(ع)</sup> و عقل استدلال شده است که در اینجا به آن اشاره می‌گردد:

### ۱-۱-۲ آیات قرآن

یکی از آیات مورد استناد در این خصوص، آیه ۱۵۹ **سوره آل عمران** است که خداوند متعال در آن خطاب به پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر». در این آیه که پس از جنگ احد نازل شده است، خداوند متعال صراحتاً به پیامبرش خطاب می‌کند که مسلمانان را عفو کند و برای آنان از خداوند آموزش بخواهد و در کارها با آنان مشورت نماید. پیامبر<sup>(ص)</sup> قبل از آغاز جنگ احد با اصحاب در مورد چگونگی رویارویی با دشمن مشورت کرد و با آنکه نظر شخص ایشان مانند در شهر بود، چون رأی اکثریت بر مقابله با دشمن آن هم بیرون از شهر بود، آن حضرت نظر جمع را بر نظر خود ترجیح داد؛ البته سپاهیان اسلام بر اثر نافرمانی برخی از اصحاب شکست خوردند، ولی با این حال خداوند به پیامبر<sup>(ص)</sup> دستور داد که برای خاطیان جنگ که کشته شده‌اند، طلب آموزش کند و خطاکاران را عفو نماید و با آنان نیز دوباره مشورت کند. از این آیه روشن می‌شود که وقتی شخص پیامبر که عقل کل و دارای قوه عصمت است، مأمور به مشورت می‌باشد، به طریق اولی وظیفه دیگر حاکمان هم این است که در امور جامعه مشورت نمایند. البته در استدلال به این آیه اشکالاتی وارد شده که در محل خود بحث و بررسی شده است (نائینی، ۱۳۶۱: ۶۱).

آیه دیگر، آیه ۳۸ **سوره شوری** است که در آن اوصاف مؤمنین بیان شده و یکی از ویژگی‌های مؤمنان را با بیان «و امرهم شوری بینهم»، این‌گونه بیان می‌کند که آنان امور خود را با مشورت با یکدیگر انجام می‌دهند. چنانچه بسیاری از مفسران اشاره کرده‌اند که این آیات ظهور در وجوب و لزوم شورا را دارد و بر مؤمنان لازم است که در امور نوعیه از راه مشورت به تصمیم‌گیری بپردازند (طبرسی، بیتا، ج ۵: ۳۳).

### ۱-۲-۲ روایات

روایات بسیاری در مجموعه حدیثی شیعی به چشم می‌خورد که بیانگر نقش شورا در تصمیم‌گیری است؛ به‌ویژه بیانات امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup> در نهج البلاغه و سفارشهای اکید آن حضرت به

والیان و حاکمان که از مشورت با اهل شورا در تصمیم‌گیری‌های عمومی غفلت نکنند. ایشان در بخشی از سفارش‌هایشان به فرزندش محمد حنفیه فرموده‌است: «آرای مردان را به هم پیوست کن، سپس نزدیک‌ترین به صواب و دورترین از ارتیاب و لغزش را برگزین... هرکه تنها به رأی خود ساخت، خود را به مخاطره خواهد انداخت و آن‌که به استقبال آرا شتافت، موارد خطا و اشتباه را خواهد شناخت» (فیضالاسلام، بی‌تا: ۱۱۶۵). علاوه بر بیانات ائمه معصوم<sup>(ع)</sup>، در سیره و رفتارشان نیز موارد متعددی وجود دارد که حاکی از مشورت در تصمیم‌گیری‌هاست؛ البته سیره آنان دلالت بر وجوب شورا ندارد اما ناظر بر رجحان است و اندیشمندان شیعی در کنار آیات و روایات همواره بدان استناد نموده‌اند؛ مثلاً در زمان رسول خدا<sup>(ص)</sup> هرگاه پیامبر درباره مسئله‌ای نظر می‌داد و اصحاب از ایشان سؤال می‌کردند که این نظر شخص شماسست یا وحی خداوند است که بر شما نازل شده‌است، اگر وحی بود چیزی نمی‌گفتند، ولی اگر نظر شخص ایشان بود، رأی و نظر خود را نیز بیان می‌کردند و پیامبر هم پس از شنیدن نظر آنان بهترین را برمی‌گزید و به آن عمل می‌کرد (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۲: ۴۶).

## ۲-۱-۳ عقل

از نظر عقلی در همه تصمیم‌گیری‌های زندگی اعم از شخصی و عمومی، راهی که احتمال خطا در آن کمتر باشد و بر طبق آن تصمیم صحیحی گرفته شود، لازمالاتباع است و هر عقل سلیمی ادعان می‌کند که تصمیم‌گیری از طریق شورا به‌ویژه در امور عمومی که تعدد آرای بیشتری وجود دارد، به صواب نزدیک‌تر خواهد بود و در مواردی که راه رسیدن به حقیقت و واقعیت منحصر به مشورت و نظرخواهی باشد یا مسائل خاصی که ضرورت مشارکت فعال مردم و تشکیل شورا را ایجاب نماید، تشکیل شورا و نظرخواهی از نظر عقل امر لازم و ضروری است (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۳۰۴).

## ۲-۲ لزوم شورا

در دلالت ادله چهارگانه مذکور در باب وجوب شورا - در دوران حضور و غیبت - مباحث بسیاری مطرح شده‌است، اما برخی از اندیشمندان شیعه معتقد به وجوب شورا در تصمیمات عمومی هستند که یکی از مهمترین آنان مرحوم نائینی در کتاب تنبیه‌الامه است. او ضمن اشاره به نقش گسترده شورا در محدود کردن قدرت استبدادی حکومت مطلقه، معتقد است که امور عمومی باید از طریق شورای عمومی و تبعیت از نظر اکثریت انجام شود. به عقیده وی اصل

شورا در امور غیر منصوص، از مسلمات است و این مشورت نه با خواص بلکه با تمام ملت است و در صورت عدم اتفاق نظر بین منتخبان مردم رجوع به اکثریت آرا واجب است. وی معتقد است که حتی پیامبر اکرم (ص) نیز در امور نوعیه مکلف و ملزم به مشورت با مردم بوده و به نتایج آن ملتزم بوده‌است، زیرا قرآن اساس شورایی بودن اداره امور مردم را پذیرفته و عمل به رأی اکثریت در مقابل اقلیت رجحان عقلی دارد و سنت پیامبر و امیر مؤمنان (علیهما السلام) نشان می‌دهد که در اکثر موارد با رأی اکثریت موافق بوده‌اند (نائینی، ۱۳۶۱: ۱۱۱-۱۱۲).

شهید صدر نیز با استدلال به آیات مذکور، می‌نویسد: «بر اساس دلایل قطعی، امت شایستگی بر عهده گرفتن امور خود از طریق شورا را دارا می‌باشد تا زمانی که نص خاصی بر خلاف آن وارد نشود. نتیجه این امر پیروی از شورا و رأی اکثریت در زمان تعارض آرا می‌باشد» (صدر، ۱۴۲۶ هـ ق: ۱۵۰).

#### ۲-۳ الزام آور بودن نظر شورا

درباره وجوب تبعیت از نتایج شورا در بین اندیشمندان شیعی اختلاف نظر است؛ برخی از آنان قائل به لزوم تبعیت از شورا هستند و برخی دیگر معتقدند که حاکم اسلامی پس از مشورت با اهل خبره می‌تواند نظر خود را عملی کند. مصباح یزدی با استناد به آیه شریفه «فاذا عزم فتوکل علی الله»<sup>۱</sup> معتقد است که پیامبر ملزم نیست که رأی اکثریت مردم را بپذیرد و به مرحله عمل درآورد. کمکی که مشورت به ولی امر مسلمین می‌کند این است که هم خود مسئله و هم راه حل پیشنهادی او برای مسئله را روشن تر می‌سازد... پس از مشاوره، خود ولی امر تصمیم می‌گیرد. بنابراین رأی رهبر مطاع است، نه رأی اکثریت افراد شورا؛ اما ملاک رأی حاکم بر اساس حکم عقل، مصلحت جامعه اسلامی و مسلمین است (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۲۹۶-۲۹۷). آیت الله منتظری در کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه» گرچه لزوم مشورت در امور مهم را بر حاکم لازم دانسته و ترک آن را ظلم بر مردم می‌داند؛ اما درباره تبعیت از رأی مشاوران چنین نوشته‌است: «نعم لما كان المسئول و المكلف هو الحاكم فالملك بعد المشاوره و استماع الانظار المختلفه هو تشخیص نفسه و لایتبعین علیه متابعه اکثریه... چون مسئول حکومت و مکلف به اداره جامعه «شخص حاکم» است، پس ملاک بعد از مشورت و شنیدن نظریات مختلف،

<sup>۱</sup> آل عمران ۱۵۹

تشخیص فردی اوست و بر او تبعیت اکثریت متعین نیست و عدم تبعیت اکثریت به معنای بی‌فایده بودن مشورت نیست؛ چرا که بر این مشورت فایده جلب نظر دیگران و شخصیت دادن به آنان و اطلاع کافی بر جوانب امر تا به آنها بر تشخیص اصلح موفق شود، مترتب است» (منتظری، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲: ۳۷).

## ۲-۴ شورا و مبنای مشروعیت حکومت

درباره نقش شورا در مشروعیتبخشی به حکومت دینی، نظریات متفاوتی در میان عالمان شیعه مطرح شده‌است که به‌طور کلی می‌توان آنها در دو گروه ارزیابی کرد:

الف) برخی از فقها به این استناد که در دوران غیبت دلیل خاصی که بیانگر شیوه و شکل مشروع حکومت باشد، وجود ندارد، به طرح نظریاتی در این باب پرداخته‌اند و از این رهگذر برخی از اندیشمندان بر آن شدند که با تمسک به مفهوم شورا یک نوع نظام سیاسی الهی و مردمی، مبتنی بر مشارکت مردم و سازگار با آموزه‌های دینی را طراحی کنند. از دیدگاه آنان مفهوم شورا بیشترین ظرفیت را برای شکل‌دهی چنین نظامی داراست و بر مبنای آن، هم در مرحله انتخاب حاکم و هم در فرایند تصمیم‌سازی می‌توان عمل نمود.

در دهه‌های اخیر برخی از اندیشمندان شیعه بر نقش مردم و شورا در مشروعیت حکومت تأکید بسیاری داشته و در صدد برآمده‌اند که بنیانی مشروع برای حکومت مبتنی بر خواست و رضایت مردم تأسیس نمایند. از این دیدگاه تدبیر امور سیاسی امت اسلام در زمان غیبت معصوم<sup>(ع)</sup> به عهده خود مردم گذاشته شده‌است و مردم می‌توانند امور اجتماعی خود را بر اساس مصالحی که در شرایط مختلف زمانی و مکانی تشخیص می‌دهند، سامان دهند، لکن این تشخیص مصالح نباید با احکام شرعی ناسازگار باشد (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۷۳). این نظریه با تقریرات متفاوت سیدمحمدباقر صدر، شیخ محمدجواد مغنیه و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین ارائه شده‌است. شهید صدر با طرح نظریه «خلافت مردم و نظارت مرجعیت»، مغنیه با ارائه «دولت انتخابی اسلامی» و شمس‌الدین با نظریه «ولایت امت»، هر یک در صدد طرح‌ریزی نظام سیاسی مردم‌سالار و مشروع در عصر غیبت هستند. شهید صدر کوشیده تا نظام سیاسی عصر غیبت را بر اساس شورای عمومی و رأی اکثریت بنیان گذارد. شیخ مهدی شمس‌الدین نیز معتقد است که امت بدین لحاظ که بر خود و سرنوشت خود ولایت دارد، شکل نظام سیاسی خود را که در جمیع مراحل مبتنی بر شورا است، تعیین می‌کند (شمس‌الدین، ۱۴۱۲هـ.ق: ۲۲۰).



ب) مورد دیگر نظریه ولایت فقیه است آنچه از ادله ولایت فقیه استفاده می‌شود، این است که در عصر غیبت، وجود فقیه - منصوب یا منتخب - در رأس نظام مشروعیتبخش نظام سیاسی است. موضع قائلان به آن در خصوص مسئله شورا متفاوت است، برخی معتقدند که ادله شورا دلالت بر این امر نمی‌کند که شورا منشأ مشروعیت نظام باشد، بلکه شکل مشروع حکومت آن است که تحت زعامت و رهبری فقیه جامع‌الشرایط باشد و حاکمی که بدون نصب شارع (نصب عام) حکومت کند، طاغوت است و کاربرد ادله شورا صرفاً در مقام تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌باشد و از نظر آنها مشروعیت استقرار نظام سیاسی از راه شورا قابل اثبات نیست، بلکه دلایل دال بر ولایت عامه فقیه مقدم بر ادله شورا است. برخی دیگر ضمن اعتقاد به مشروعیت حکومت دینی بواسطه ولی فقیه، مقبولیت مردمی را نیز لازمه تشکیل حکومت دینی دانسته‌اند و برخی دیگر در مسئله مشروعیت حکومت دینی انتصاب عام ولی فقیه و مقبولیت مردمی را به همراه هم پایه مشروعیت دینی تلقی کرده‌اند. برخی نیز حتی تعیین ولی فقیه را انتخابی دانسته‌اند. آنچه در خصوص مسئله شورا مهم به نظر می‌رسد این است اکثر آنان بر نقش مردم و شورا بشکل یک نظریه سیاسی تأکید دارند و بحث‌هایشان بیشتر جنبه نظری دارد تا عملی.

## ۲-۵ دیدگاه امام<sup>(ره)</sup> درباره شورا

منابعی که می‌توان از آن در دستیابی به دیدگاه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup>، تبیین و تحلیل آن در

خصوص نقش و جایگاه شورا در حکومت دینی بهره جست، عبارتند از:

**اول. آثار مکتوب قبل از انقلاب (حکومت اسلامی، تقریرات درس خارج ولایت فقیه، کشف‌الاسرار):**

آثار مکتوب امام مربوط به سالهای اولیه قیام اوست که در آنها به دنبال تبیین مبانی شرعی ضرورت تشکیل حکومت دینی و پاسخ به برخی شبهات بوده‌اند. در این آثار با استفاده از دلایل قرآنی، روایی و عقلی، ضرورت تشکیل حکومت دینی بر اساس ولایت فقیه اثبات شده‌است و منشأ حکومت، الهی و مبنای مشروعیت آن، نصب الهی پس از رسول اکرم و نصب عام فقها در زمان غیبت امام زمان دانسته شده‌است، که از این دست می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«تنها حکومتی که خرد حق می‌داند و به آغوش گشاده و چهره باز آن را می‌پذیرد، حکومت خداست که همه کارش حق او، همه عالم و تمام ذرات وجود، حق خود اوست به استحقاق، او در هر چه تصرف کند، در مال خود تصرف کرده و از هر کس هر چه بگیرد، مال خود را گرفته

و هیچکس انکار این سخن را نتواند کرد» (خمینی، کشف‌الاسرار: ۱۸۱).

«ولایتی که برای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (ع) ثابت است، برای فقیه هم ثابت است. در این مطلب شکی نیست (همو، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

### دوم. سخنرانی‌ها و نامه‌های پس از انقلاب اسلامی:

ایشان پس از استقرار انقلاب بیشتر گفتارشان معطوف به بیان چگونگی حکومت دینی، نقش و جایگاه مردم در آن بوده‌است، که به‌طور نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد. طبیعی است که چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمانانند، باید این حکومت بر پایه‌های موازین و قاعده اسلامی بنا شود» (همو، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۶۷).

- «اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است و لو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما ولی آن‌ها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم... آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، و لو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب، باشد. ملت می‌خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد. ملت رأی داده؛ رأی که داده متبّع است (همان، ج ۹: ۳۰۴). امام در موارد متعددی شکل حکومت اسلامی را به مردم واگذار می‌کنند (همان، ج ۳: ۵۱۴).

- دیدگاه امام را به نوعی در احکام صادره مهمی که ایشان در نصب مقامات بلندمرتبه نظام انجام دادند، می‌توان ملاحظه کرد، آنچه آن را به نوعی مشروعیت الهی - مردمی، یا دوگانه می‌توان نامید؛ متن حکم شورای انقلاب و نخستوزیری مهندس بازرگان است:

«به موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده‌است... «شورای انقلاب اسلامی»... موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد» (همان، ج ۵: ۴۲۶).

«تولگی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده‌است، و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (همان، ج ۲۰: ۴۵۹).

بنا بر آنچه که بیان شد، به نظر می‌رسد که از نظر امام خمینی مردم یا شورای منتخب مردم، نقشی اساسی در حکومت اسلامی دارند و حتی مشروعیت حکومت از جهت اقبال مردمی،

شکل حکومت و انتخاب والیان آن، مبتنی بر رأی اکثریت مردم است و همه ملزم به تبعیت از رأی مردم هستند و رأی مردم ارجح بر رأی نخبگان است.

### سوم. نظام جمهوری اسلامی ایران:

جمهوری اسلامی ایران پس انقلاب اسلامی و در حیات امام خمینی<sup>(ره)</sup> و با هدایت و رهبری ایشان تشکیل گردید. پس مراحل شکلگیری، تدوین قانون اساسی آن، بیانگر سیره عملی ایشان است و بر آن اساس، می‌توان دیدگاه‌های ایشان را به دست آورد:

الف) شکل حکومت دینی: امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعیین شکل حکومت دینی را از حقوق مردم دانست و با مراجعه به رأی مردم، شکل آن (جمهوری اسلامی) مشخص گردید (قانون اساسی، اصل ۱).

ب) تدوین قانون اساسی: امام خمینی<sup>(ره)</sup>، تدوین قانون اساسی را نیز از حقوق مردم دانسته و برای تدوین آن با مراجعه به آرای مردم، مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی را تشکیل داده و حتی پس از تدوین آن، باز هم با رأی مردم مصوبه آن مجلس به تأیید رسید.

ج) نقش شورا در ساختار جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی شورا را در ساختار جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک امر قرآنی و از ارکان تصمیمگیری در اداره کشور می‌داند که متضمن جلوگیری از تبعیض، جلبکننده همکاری، هماهنگکننده بین دستگاهها، ناظر بر امور و تأمینکننده قسط اسلامی است که همه بخشهای کشور از کلاسترین واحدهای مدنی تا خردترین آن، از واحدهای تولیدی کشاورزی گرفته تا اقتصادی و خدماتی را شامل می‌شود و همه حتی منصوبان قوه مجریه ملزم به پذیرش تصمیمات آنها هستند و هیچ نهادی حق انحلال شورا را ندارد بهجز زمانی که از وظایف قانونی خود منحرف شوند که در این صورت هم شورا حق شکایت دارد و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. البته در خصوص مجلس شورا هیچ راهی برای انحلال آن ذکر نشده‌است. در این مقال با استناد به برخی اصول قانون اساسی برگرفته از بازنگری انجام شده در سال ۱۳۵۸ به تبیین این بند می‌پردازیم هر چند قبل از بازنگری قانون اساسی سال ۵۸ نقش شورا بسیار پر رنگ تر می‌باشد چرا که در آن بسیاری از امور را به صورت شورایی دیده بود، از جمله شورای عالی قضایی، شورای عالی صدا و سیما و شورای رهبری.

\* طبق اصل ششم قانون اساسی که: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای

اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، از همپرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد»، شوراها در نظام جمهوری اسلامی ریشه در احاد مردم داشته و با رأی آنها انتخاب می‌شوند.

\* بر اساس اصل هفتم قانون اساسی که: «طبق قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شوراها، استان، شهرستان، شهر، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیمگیری و اداره امور کشورند»، شورا به‌عنوان یک اصل قرآنی قلمداد گردیده و از کلانترین بخش که کشور باشد تا خردترین آن یعنی روستا، باید تصمیمگیری و اداره، با شوراها باشد.

\* در فصل هفتم اصل یکصدم آمده‌است: «بهنظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراها، استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند»، در این اصل شورا به‌عنوان امری که می‌توان با استفاده از آن از تبعیض در اداره کشور جلوگیری کرد، و همکاری همه را در جهت پیش برد امور بهره جست.

\* اصل یکصد و سوم که: «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت صمیمات آنها هستند»، مجریان دولتی را موظف به رعایت تصمیمات شورا دانسته‌است.

\* در اصل یکصد و چهارم که: «به‌منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاور شوراها، مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراها، مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند»، شورا تأمین کننده قسط اسلامی و هماهنگ کننده مردم و دستگاه‌های حکومتی از طریق تعمیم شوراها از نهادهای مدنی به دیگر نهادهاست.

\* در اصل یکصد و پنجم که: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد»، تنها محدودیت شوراها عدم مخالفت با موازین اسلام و قوانین کشور عنوان شده‌است؛ البته از آنجا که قوانین کشور نیز خود مصوبات مجلس شورا هستند، پس تنها

محدودیت در مقابل شورا، رعایت موازین شرع و قانون اساسی خواهد بود.

\* در اصل یکصد و ششم که: «انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند»، انحلال شوراها فقط در صورت خروج آنها از وظایف قانونی امکانپذیر دانسته شده، آن هم با سازوکار قانونی و با حفظ حق شکایت برای شوراها؛ البته مجلس شورای اسلامی از این مورد مستثناست.

### ۳. نظریه شورا از منظر اهل سنت با تأکید بر دیدگاه رشیدرضا

مفهوم شورا در میان اهل سنت به‌عنوان یکی از شیوه‌های تعیین حاکم بعد از رسول اکرم (ص) مطرح بوده‌است. این شیوه از استقرار حکومت همانند شیوه‌های استخلاف (نصب بهوسیله خلیفه پیشین) و استیلا، ریشه در واقعیات سیاسی صدر اسلام دارد. حاکمان پس از پیامبر با سه شیوه «انتخاب توسط اهل حل و عقد»، «استخلاف» و «شورا» انتخاب شدند و بعدها شیوه استیلا و غلبه نیز به‌عنوان یکی از راه‌های مشروع حکومت مطرح گردید. نظریه «شورا» به لحاظ تاریخی به انتخاب شش نفر از صحابی و بزرگان صدر اسلام از سوی حاکم بر مسلمان به منظور انتخاب حاکم بعدی برمی‌گردد. مبنای مشروعیت چنین شیوه‌ای برای استقرار حکومت در دیدگاه اهل سنت عمل صحابه است. از نگاه اهل سنت گفتار و کردار صحابه هم‌پایه قرآن و سنت، از منابع اصلی استنباط احکام شرعی به شمار می‌رود و به همین جهت شرایط و شیوه‌های استقرار خلفای راشدین را نمونه آرمانی و مشروع حکومت اسلامی دانسته و مشروعیت عمل سیاسی حاکمان را بر پایه همین امر توجیه می‌نمایند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۳۵). از این رو در دوران معاصر برخی از متفکران اهل سنت تلاش نمودند تا کارکرد آن را از یکی از راه‌های انتخاب حاکم اسلامی به نقش مردم در اداره حکومت گسترش دهند و آن را به صورت یک اصل سیاسی - اجتماعی و در قالب یک نظریه سیاسی مطرح نمایند.

#### ۳-۱ دلایل اصل شورا در اهل سنت

شوراگرایان اهل سنت نیز همچون شیعه در استدلال به لزوم شورا به برخی از آیات و

روایات استناد می‌کنند که آیه ۳۸ شورا<sup>۱</sup> و آیه ۱۵۹ آل عمران<sup>۲</sup> که در آنها صراحتاً به شورا اشاره شده، آیات مورد نظر است. در باب سنت هم به سنت رسول الله و صحابه استدلال کرده‌اند.

۲-۳ لزوم شورا

اندیشمندان و فقهای اهل سنت در مقام استدلال به این آیات، دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه کرده‌اند؛ عده‌ای شورا را واجب و عده‌ای دیگر امر در این آیات را حمل بر استحباب آن کرده‌اند. بنابراین دو نظریه وجود شورا و عدم آن، در بین اهل سنت وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان قدیم اهل سنت و برخی از متفکران جدید بر این عقیده‌اند که شورا بر حاکم واجب نیست و صرفاً امری شایسته و پسندیده است، از این منظر هر چند مشاوره با عقلا و بزرگان قوم، امری نیکوست، اما حاکم اسلامی می‌تواند بدون مشورت نیز تصمیم‌گیری نموده و عمل نماید. بنابراین منظور از شورا مشورت پیامبر و سپس ولی امر در مسائل اختلافی و اجتهادی است که حاکم اسلامی بدون توجه به اقلیت و اکثریت آرای آنچه را حق و صواب است، اختیار می‌کند. شافعی و ابن‌تیمیه از مهمترین اندیشمندانی هستند که قائل به عدم وجود شورا می‌باشند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۸۴).

برخلاف این دیدگاه، تعدادی از اندیشمندان قدیم و بسیاری از معاصران اهل سنت، به وجود شورا نظر دارند. به نظر آنان شورا بر حاکم واجب است و او نمی‌تواند بدون مشورت به رأی خود عمل کند، همچنان که امت اسلامی نمی‌تواند از مشورت دادن به حاکم امتناع نماید. بدین سان حاکم مستبد با مشورت نکردن مرتکب گناه می‌شود و امت نیز در صورت عدم مشارکت به واجب امر به معروف و نهی از منکر عمل نکرده‌است.

۳-۳ الزام‌آور بودن نتیجه شورا

میان قائلان به وجود شورا در رابطه با الزام‌آور بودن پذیرش رأی شورا، دو دسته از آرا دیده می‌شود: متفکران قدیم بهرغم قول به وجود شورا، عقیده داشتند که حاکم اسلامی الزامی به قبول نظر شورا ندارد. اما بسیاری از اندیشمندان جدید اهل سنت چنین می‌اندیشند که شورا و تصمیمات آن برای حاکم الزامی است. مودودی، رشیدرضا، محمد عبده و بسیاری دیگر معتقدند

<sup>۱</sup> و امرهم شوری بینهم

<sup>۲</sup> و شاورهم فی الامر

که نه تنها مشورت حاکم با مسلمانان لازم است، بلکه باید نظر شورا را تنفیذ و مطابق با اجماع یا آرای اکثریت عمل کند.

نویسندگان «رساله الخلافه» و «سلطه الامه» نیز با تأکید بر وجوب شورا معتقدند که اصل در حکومت اسلامی عمل به شورا است و حاکم در هر حال مکلف به مشورت با امت است (جمعی از نویسندگان، ۱۹۹۴م: ۲۳۶). در نگاه آنان نظم سیاسی و سازمان اداری حکومت و در پی آن شیوه‌های شورا از احکام متغیری است که بنا به مقتضیات زمان قابل تغییر است و به تشخیص مصلحت و نظر اهل حل و عقد در هر زمان بستگی دارد.

### ۳-۴ شورا و مبنای مشروعیت حکومت

به عقیده اهل سنت حکومتی مشروعیت می‌یابد که از راه شورا مستقر شده باشد. این شیوه از استقرار حکومت همانند شیوه‌های استخلاف و استیلا، ریشه در واقعیات سیاسی صدر اسلام دارد. حاکمان پس از پیامبر (ص) با سه شیوه «انتخاب بهوسیله اهل حل و عقد»، «استخلاف» و «شورا» انتخاب شدند و بعدها شیوه استیلا و غلبه نیز به‌عنوان یکی از راه‌های مشروع حکومت مطرح گردید. نظریه «شورا» به لحاظ تاریخی به انتخاب شش نفر از صحابی و بزرگان صدر اسلام از سوی حاکم بر مسلمان به‌منظور انتخاب حاکم بعدی برمی‌گردد. مبنای مشروعیت چنین شیوه‌ای برای استقرار حکومت در دیدگاه اهل سنت، عمل صحابه است. از نگاه اهل سنت گفتار و کردار صحابه هم‌پایه قرآن و سنت منبع اصلی احکام سیاسی به شمار می‌رود و به همین جهت شرایط و شیوه‌های استقرار خلفای راشدین را نمونه آرمانی و مشروع حکومت اسلامی دانسته و مشروعیت عمل سیاسی حاکمان را بر پایه همین امر توجیه می‌نمایند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۳۵).

### ۳-۵ مصداق شورا

اندیشمندان اهل سنت درباره اینکه مصداق شورا چه کسانی هستند، با هم اختلاف نظر دارند. محمد رشیدرضا با توجه به علایق سنتی خود، مصداق اهل شورا را همان اهل حل و عقد می‌داند و حتی مفهوم حاکمیت مردم را به حاکمیت و رضایت اهل حل و عقد تفسیر می‌کند. وی با نگرشی نخبه‌گرایانه به شورا، اهمیت زیادی به اهل حل و عقد داده و آنها را اهل شورا و مصداق اولی‌الامر و «مالک التولیه و العزل» می‌داند و معتقد است که امامت با بیعت اهل حل و عقد محقق می‌شود (همان: ۵۷-۶۳)؛ اما برخی از اندیشمندان با توجه به گسترش دامنه حاکمیت به تمامی مردم، به اطلاق امر به شورا در قرآن و سنت تمسک نموده و شکل حکومت، ساختارها

و نهادهای آن را بر اساس مقتضیات زمان به عهده شورا نهاده‌اند. از نگاه نظریه‌های جدید، حکومت اسلامی، حکومت شورایی مردم‌سالار است و به همین دلیل، جامعه مصدر حاکمیت و سلطه سیاسی است. توفیق‌الشاوی شورا را مشارکت همه افراد جامعه و همکاری آزادانه آنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند (نوری، ۱۳۷۶: ۷۹). مودودی نیز در این باره می‌نویسد: «کلیه امور این حکومت، از تأسیس و تشکیل گرفته تا انتخاب رئیس کشور و اولیالامر و تا امور تشریحی و انتظامی، بر اساس مشورت با اهل ایمان به اجرا گذاشته می‌شود. بدون ملاحظه این‌که این مشورت مستقیم باشد یا بهوسیله نمایندگان منتخب» (مودودی، ۱۴۰۵ هـ. ق: ۲۹).

### ۳-۶ شورا و نظریه‌های جدید اهل سنت

فقه سیاسی قدیم اهل سنت، اساساً خلافت‌محور است و خلافت را به‌عنوان الگوی صحیح حکومت اسلامی پس از پیامبر (ص) پذیرفته و به شرح و بسط آن پرداخته‌است، در حالی‌که نظریه‌های جدید بر محور شورا شکل گرفته‌اند (میراحمدی، ۱۳۸۲: ۸۶). در نظریه‌های جدید اهل سنت، نظریه شورا مهمترین نظریه سیاسی اسلامی است که البته با تفسیرها و نظریه‌های متفاوتی تبیین شده‌است. پس از الغای خلافت و بحران اندیشه سیاسی اهل سنت، سه گرایش فکری مهم در کشورهای عربی پدید آمد: گروهی از اندیشمندان به رد و طرد هر نوع نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر دین پرداختند، دسته‌ای خواهان احیای خلافت پیشین بودند و گروه سوم به اصلاح و بازسازی نظریه سیاسی قدیم گرایش داشتند؛ به‌گونه‌ای که مطابق با شرایط جدید جهان اسلام بوده و کارآمد باشد (خحدوری، ۱۳۶۶: ۶۶). این گروه که بیشتر نوگرایان سیاسی اهل سنت را شامل می‌شود، نظریه شورا را برای بازسازی نظام سیاسی بر پایه متون دینی مطرح نموده‌اند.

البته طرح نظریه شورا با سه رویکرد اساسی صورت گرفته‌است: برخی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و رشیدرضا با هدف اثبات ناسازگاری اسلام و نظام استبدادی به سراغ شورا رفته و با تمسک به اصل شورا در اسلام ثابت نموده‌اند که هرگونه نظام استبدادی با آموزه‌های اسلام ناسازگار است. رویکرد دیگر رویکرد مقایسه‌ای است که شورا را با دموکراسی مقایسه می‌کند و معتقد است که اسلام و دموکراسی با یکدیگر تنافی ندارند. از این دیدگاه می‌توان با مراجعه به نصوص دینی، مؤلفه‌های نظام شورایی را استخراج کرد و آن را به‌عنوان یک نظام سیاسی اسلامی مردم‌گرا در مقابل نظریه دموکراسی غربی ارائه نمود؛ بنابراین



شورا یکی از ارکان مهم دموکراسی اسلامی تلقی می‌گردد (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۴۱)، رویکرد سوم نیز رویکرد مقایسه‌ای است اما نه به‌منظور تبیین همسانی‌ها و قرابت‌های شورا و دموکراسی، بلکه به‌منظور اثبات برتری نظام شورایی بر نظام دموکراسی است. در واقع در این رویکرد تلاش می‌شود تا برتری شورا و نظام شورایی اسلامی بر دموکراسی ثابت گردد و از این رهگذر بر جامعیت و برتری دین اسلام استدلال شود. به لحاظ تاریخی این رویکرد، متأخر از رویکرد اول طرح شده‌است و می‌توان آن را در آثار توفیق محمد الشاوی ملاحظه کرد. وی در کتاب «الشوری اعلى مراتب الديمقراطية»، ضمن تبیین عناصر مشترک میان شورا و دموکراسی، به بیان معایب دموکراسی و مزایای شورا پرداخته و بدین ترتیب برتری شورا را بر دموکراسی اثبات می‌کند. الشاوی در مقدمه‌ای بر کتاب «فقه الخلافه السنهوی» علت اساسی سستی دستگاه خلافت را تعطیل شورا و ارج نهادن به آرای مردم دانسته‌است. وی با گردآوری و تنظیم مباحث شورا درصدد ارائه نظام سیاسی مطلوب است و جوهره و شالوده نظام سیاسی را شورا می‌داند. از نظر وی، دموکراسی تنها بدون تبعیت از شورا نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد و عدم تبعیت دموکراسی از شورا باعث سلطه یک حزب یا احزاب متعدد شده و محرومیت افراد و مردم از حقوق انسانی و آزادی‌شان را به دنبال خواهد داشت (الشاوی، ۱۴۱۴هـ. ق: ۹۰). از نظر شاوی شورا مشارکت افراد اجتماع و حضور و همکاری آزادانه آنها در مشاوره و گفتگو قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی است؛ بنابراین شورا حق گفتگوی آزاد و برابر همه گروه‌ها و اقلیت‌ها را تضمین می‌کند. برتری شورا بر دموکراسی هم به این دلیل است که اولاً فراتر از حوزه سیاست به تمامی حوزه‌های اجتماعی و فردی سرایت دارد و ثانیاً به‌دلیل وجود ارزش‌هایی مانند آزادی و عدالت است که در شورا وجود دارد، نه رأی اکثریت (همو، ۱۹۹۳م: ۲۰).

### ۳-۷ دیدگاه رشیدرضا

رشیدرضا نیز در بیان وجوب شورا معتقد است که از مهمترین وظایف حاکم مشورت نمودن در هر چیزی است که نص قطعی خاصی یا اجماع صحیحی در آن مورد وجود ندارد؛ به‌ویژه امور سیاسی و جنگ که باید بر اساس مصلحت عمومی انجام شود و سبب این که خداوند پیامبر را به مشورت در امر امت دستور داده‌است هم این است که مشورت را به‌عنوان قاعده‌ای کلی در مورد تأمین مصالح عمومی جعل کند. رشیدرضا تأکید می‌کند که حتی رسول‌الله (ص) نیز در موارد غیر وحی مشاوره می‌فرمود و به این دلیل می‌فرمود: «انتم اعلم بامر

دنیاکم» و در امور بشری خود را نیازمند مشورت می‌دید. از طرف صحابه هم سؤال می‌شد که آیا نظر پیامبر ناشی از وحی است یا رأی شخصی اوست و در صورت دوم، صحابه دیدگاه‌های مشورتی خود را ارائه می‌دادند (همان: ۶۹-۷۰).

رشیدرضا در تفسیر آیه «و امرهم شوری بینهم» تأکید می‌کند که به لحاظ وجوب شورا پیامبر هرگز نمی‌توانست در مورد آینده سیاسی امت تعیین تکلیف نماید، زیرا چنین امری مغایر با ماهیت متبدل مصالح عامه در زمان‌های مختلف بود و در چنین مواردی امکان وضع حکم معین و ثابت وجود ندارد، زیرا امور اجتماعی و مصالح آن در هر زمانی متغیر و متفاوت است. نکته مهم در اینجا این است که هر نوع تلقی از شورا، رابطه مستقیمی با نوع تلقی از اختیارات و وظایف حاکم در اندیشه‌های اسلامی دارد، فقهاً خلفه سستی به دلیل تأکید بر اقتدار حاکم، شورا را از جمله احکام مندوب قرار می‌دادند، ولی در اندیشه‌های جدید این رابطه معکوس شده است.

#### ۴- اشتراکات و افتراقات دیدگاه شیعه و اهل سنت با تأکید بر آرای امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رشیدرضا:

۴-۱ شباهت‌ها و تفاوت‌های شیعه و اهل سنت در مسئله شورا:

الف) اصل شورا در هر دو مذهب امری پذیرفته شده بوده است؛ اما به عنوان یک نظریه سیاسی که در آن مردم نقشی اساسی و تعیینکننده داشته باشند، در دوران معاصر مطرح شده است.

ب) در استدلال به پذیرش اصل شورا، هر دو به قرآن، سنت نبوی و عقل استدلال کرده‌اند.

ج) در نحوه استنباط از آیات مرتبط، همانند هم دو دیدگاه (وجوب و استحباب) و درباره الزام‌آور بودن پذیرش رأی شورا بر حاکم نیز دو دیدگاه الزام و عدم الزام را مطرح کرده‌اند و در مورد مشروعیت، بر خلاف شیعه که اکثراً نظر بر عدم مشروعیت بخشی الهی شورا است و آن را منشأ مقبولیت مردمی می‌داند، اهل سنت به اتفاق قائل به مشروعیت بخشی شورا به حکومت هستند؛ البته مشروعیت بخشی را هم منحصر در شورا ندانسته‌اند.

د) نظریه پردازان حکومت دینی در عصر حاضر در هر دو مذهب شیعه و سنی، شورا را مبنایی برای مشارکت مردم و نماد استبدادستیزی و مردمسالاری دینی اسلام دانسته‌اند.

۴-۲ شباهت‌ها و تفاوت‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رشیدرضا در مسئله شورا:

۴-۲-۱ شباهت‌ها:

۱- به نقش و اهمیت شورا تأکید دارند؛

- ۲- طرح حکومت دینی خود را بر اساس رأی مردم استوار کرده‌اند؛
  - ۳- در نحوه استنباط از آیات مرتبط، قائل به الزام‌آور بودن پذیرش رأی شورا بر حاکم هستند؛
  - ۴- شورا را مبنایی برای مشارکت مردم و آن را نماد استبدادستیزی و مردمسالاری دینی در اسلام دانسته‌اند؛
  - ۵- شورا در مشروعیت مردمی، ایجاد حکومت و تعیین شکل آن، تعیین قوانین جاری کشور طبق شرع، انتخاب عوامل حکومتی و در نهایت در مقبولیت حاکم نقش دارد.
- ۴-۲- تفاوت‌ها:
- ۱- بنا بر دیدگاه امام، طرف مشورت باید مردم یا نمایندگان منتخب مردم باشند، اما از نظر رشیدرضا، نخبگان که از نظر وی همان اهل حل و عقد هستند، طرف مشورت هستند. از پیامدهای این دو دیدگاه این است که بنا بر نظر امام، اگر نظر مردم بر خلاف نظر نخبگان باشد، باید طبق نظر مردم رفتار کرد، اما بر اساس نظر رشیدرضا نظر نخبگان بر نظر توده‌های مردم ترجیح دارد و باید طبق آن عمل شود.
  - ۲- تفاوت دیگری که بین این دو دیدگاه وجود دارد، معطوف به مبانی و پیش‌فرضهای الهیاتی و کلامی آنهاست؛ بنا بر دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> با اینکه تشکیل و اداره حکومت بر اساس مشروعیت مردمی است، حکومت یک منصب الهی است و مشروعیت شرعی آن از طرف خداوند تعیین شده‌است، اما رشیدرضا معتقد است که شورا هم در مشروعیت و هم در مقبولیت حاکم نقش دارد.
  - ۳- با وجود سازگاری نظری مقوله شورا با نظریه‌های اهل سنت به نظر می‌رسد در عمل کمتر توانسته است شورا در قالب یک نظم سیاسی در بین اهل سنت نمود و بروز عینی داشته باشد در مقابل، کارنامه جمهوری اسلامی ایران در عمل به مقوله شورا را می‌توان موفق‌تر ارزیابی نمود، چرا که در جمهوری اسلامی، نقش انتخابات در حکومت داری پررنگ‌تر بوده و تقریباً تمام ارکان مهم حکومت توسط رأی مردم انتخاب می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

در منابع اسلامی مسئله شورا وارد شده و بر این اساس یکی از اصول پذیرفته‌شده در بین تمامی مذاهب اسلامی است. البته هر مذهبی بر اساس مبانی خود تفسیر خاصی از آن دارد که

بیانکننده میزان نقش شورا در مردمسالاری دینی است. البته این که شورا به عنوان یک اصل دینی که دربردارنده حقوق مردم و ضامن مشارکت آنان در امور حکومتی در قالب یک نظریه سیاسی است، مشخصاً متعلق به دوران معاصر است. در هر دو مذهب بحث از شورا به عنوان یک نظریه سیاسی تقریباً هم‌زمان با هم آغاز شد؛ میان شیعیان با مشروطه‌خواهی در ایران و در میان اهل سنت با زوال خلافت عثمانی. بررسی نظریه شورا از دیدگاه امام خمینی و رشید رضا مبنای مردمسالاری دینی را در اسلام روشن‌تر می‌گرداند از دیدگاه اغلب متفکران شیعه، به‌ویژه امام خمینی<sup>(۵)</sup>، از آنجا که حکومت جنبه‌ای الهی دارد، شورا در مشروعیت الهی حکومت دینی نقشی ندارد و تنها در چگونگی شکل حکومت و اداره آن مؤثر است و منطبق با شرع اسلام نقشی اساسی در قانونگذاری ایفا می‌کند؛ اما از در نظر اهل سنت، شورا هم در مشروعیت و شکل‌گیری حکومت نقش دارد و هم در اداره و قانونگذاری آن، زیرا حکومت از دیدگاه اغلب آنان، از جمله رشیدرضا، صرفاً پدیده‌ای اجتماعی و بر عهده مردم است؛ پس هر دو متفکر طبق استنباط از کتاب و سنت و بر اساس مبانی خود بر اصل شورا تأکید دارند، اما در جزئیات آن با یکدیگر متفاوت‌اند.

بنابر این می‌توان گفت که نظریه شورا به عنوان یک نظریه سیاسی که شامل حاکمیت رأی مردم در حکومت دینی است، در منابع دینی مسلمانان در درجه‌های از اتقان است که در هر دو مذهب عمده اسلام خصوصاً در دیدگاه‌های امام خمینی<sup>(۵)</sup> و رشیدرضا تقریباً به یک شکل مورد پذیرش واقع شده‌است. اما اینکه چرا در دوران معاصر شاهد توسعه دیدگاه‌ها در خصوص نقش شورا هستیم و منشأ این امر در چیست؟ به نظر می‌رسد این تفاوت مربوط به تغییر نگرش به اساس شورا نبوده بلکه مربوط به شرایط زمانی می‌باشد یعنی اینکه تفاوتی در معنا و مفهوم برداشت از شورا در زمان قدیم و معاصر صورت نپذیرفته است آنچه تفاوت پیدا کرده است افزایش توانایی سیستم‌های بشری از نقش مردم در حکومت می‌باشد.

## کتابنامه:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

جمعی از نویسندگان (۱۹۹۴)، «رساله الخلافه و سلطه الامه»، در الدوله و الخلافه فی الخطاب العربی، به اهتمام وجیه کوثرانی، بیروت: دارالطلیعه.

خدوری، مجید (۱۳۶۶)، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

خمینی؛ سیدروح الله (۱۳۸۹)؛ صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).

خمینی؛ سیدروح الله (بی تا)، درآمدی بر مستندات قرآنی، بیجا.

خمینی؛ سیدروح الله (بی تا)، کشف الاسرار، بیجا، ص ۲۸۱.

خمینی؛ سیدروح الله (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴ هـ.ق)، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، چ دوم، تهران: دفتر نشرالکتاب.

رشیدرضا، محمد (۱۹۹۴ م)، الخلافه او الامامه العظمی، در الدوله و الخلافه فی الخطاب العربی، به اهتمام وجیه کوثرانی، بیروت: دارالطلیعه.

الشاوی، توفیق محمد (۱۴۱۴ هـ.ق)، الشوری اعلى مراتب الایمقراطیه، قاهره: الزهراء

الشاوی، توفیق محمد (۱۹۹۳ م)، فقه الشوری و الاستشاره، مصر: دارالوفاء.

شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۴۱۲ هـ.ق)، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، قم: دارالتقافه للطباعه و النشر.

شیخ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۲، قم: آل‌البت.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۶ هـ.ق)، الاسلام یقود الحیاه، بیروت: دارالکتاب الاسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، المیزان، ج ۱۸، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن الحسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، لبنان: دارالمعرفه.

عنایت، حمید (۱۳۷۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.

فیرحی، داود (۱۳۸۴)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ سوم، تهران: سمت.

کدیور، محسن (۱۳۸۰)، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، نجف: پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی.

قاصوی، سیدحسن (۱۳۹۲)، «شورا در اسلام و جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۵، صص ۹۸ - ۷۷.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ هـ. ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۲، قم: مرکز

العالمی للدراسات الاسلامیه.

مودودی، ابوالاعلی (۱۴۰۵ هـ. ق)، خلافت و ملوکیت، ترجمه خلیل احمد حامدی، تهران: بیان.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۲)، «روش‌شناسی فقه سیاسی اهل سنت»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره

۲۱، بهار.

نائینی، محمدحسین (۱۳۶۱)، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله؛ مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی، تهران:

شرکت سهامی انتشار.

نوری، محمد (۱۳۷۶)، «نگارش‌ها و گرایش‌های سیاسی توفیق الشاوی»، فصلنامه حکومت

اسلامی، سال دوم، شماره ۱.